

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد گرامی. سؤالی درباره حرکت جوهری داشتم. بنده اینطور از متن کتاب و سخنرانی متوجه می شوم که اصطلاح حرکت جوهری فقط برای موجودات مادی مطرح است که طبق آن جوهره ی موجود مادی به سمت تکامل و ثبات حرکت می کند. سؤال بنده این است که برای موجودی مثل انسان، که بعد از مرگ در برزخ نیز هنوز این راه تکامل وجود دارد(هنوز امکان تعالی و رهایی از پلیدی ها هست)، حرکت جوهری توجیه گر مناسبی نیست و مثلاً تعریف سیر انفسی توصیف بهتری می کند، فقط اشکال اینجاست که باید برای نفس استقلال قائل شویم و از روح جدا کنیم(در قران هیچ گاه روح جمع بکار برده نشده ولی نفس هم مفرد دارد هم جمع) و همچنین مراتب نفس(اماره، لوامه، عاقله، ملهمه، مطمئنه، راضیه، مرضیه) را متصور شویم که ذات مادی دارد و فقط در مرتبه عالی خود، مرضیه، به کیفیت روح میرسد البته با حفظ ذات خود(ماده تلطیف شده یا انرژی). در واقع روح مقام ثبات است، همان چیزی که معصومین علیهم السلام به آن مرتبه رسیدند. آیا این نوع تعریفی که بنده با ذهنیتی که از کتاب "انسان و خدا" شهید چمران داشتم بیان کردم صحیح است؟ با تشکر از شما. اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: چند موضوع در سؤال تان مخلوط شده. این که می فرمایید حرکت جوهری مربوط به ماده است، حرف درستی است و نفس انسان هم در دنیا تا به بدن خود تعلق دارد در اثر حرکت جوهری جسم، قوه هایش فعلیت می یابند. ولی در برزخ و قیامت عملی نیست تا تکاملی باشد. ما در برزخ و قیامت با ملکات خود به سر می بریم ولی در هر مرحله ای آماده می شویم تا مرحله ی عمیق تر ملکات ما برای ما نمایان شوند. به عبارت دیگر در برزخ و قیامت حجاب های ما به مرور رفع می شوند و از این جهت یک نوع تکامل برای انسان پیش می آید. عنایت داشته باشید که نفس اماره و لوامه و مطمئنه و راضیه و مرضیه، مربوط به ابعاد اخلاقی ما است و نفس عاقله و ملهمه ابعادی از نفس ناطقه و مربوط به ابعاد وجودی ما می باشد. مواظب باشید این ها مخلوط نشوند. در فلسفه ی اسلامی ماده ی تلطیف شده معنا ندارد. شاید منظور حالت مثالی پدیده ها بوده است. موفق باشید